

سرمقاله

فرار سرمایه و چالش سرمایه گذاری در افغانستان

حفیظ الله زکی

یکی از دلایل مهم بیکاری فرار سرمایه از کشور است. روندی که از چند سال بدین سو شروع شده و به صورت شتابناک به پیش می رود.

شهر دویی به محل سرمایه گذاری مطمئنی برای سرمایه داران جهان خصوصا تجاران افغانستانی مبدل شده است، در این شهر تجارتي بیشترین سرمایه گذاری اتباع خارجی را ابتدا سرمایه داران روسیه دارند و مقام دوم را سرمایه گذاران ایرانی و مقام سوم را نیز سرمایه داران کشور به دست آورده اند.

سرمایه داران کشور علاقه شدیدی به سرمایه گذاری در این شهر دارند، دولتمردان امارات متحده عربی تسهیلات فراوانی را برای سرمایه گذاران انتقال داده شود، زمینه کار را برای هزاران نفر تسهیلات موجب جذب سرمایه از تمام جهان در این شهر گردیده است.

به گفته رییس جمهور در حال حاضر بیش از ۲۸ میلیارد دالر سرمایه در گردش تجاران افغان در دویی و پاکستان و جود دارد. از این مبلغ بیش از ۱۸ میلیارد دالر آن در دویی سرمایه گذاری شده و نزدیک به ۱۰ میلیارد دالر آن در پاکستان. چنانچه این پول ها به افغانستان انتقال داده شود، زمینه کار را برای هزاران نفر فراهم می سازد و موجب رشد تولید در کشور می گردد. خروج سرمایه از کشور باعث به وجود آمدن بیکاری شدید در کشور شده است و این مسأله نگرانی های شدیدی را در میان مردم ایجاد کرده است.

با وجود امکانات لازم برای سرمایه گذاری در کشور در یک و نیم دهه گذشته از این امکانات و فرصتها استفاده نگردید. فقدان یک برنامه ریزی منظم و دقیق که ابتدا فرصت ها را مشخص و سپس فرایند سرمایه گذاری را تنظیم نماید از مشکلات اساسی بود که مانع سرمایه گذاری در کشور گردید. نبود دانش اقتصادی باعث گردید که شرایط سرمایه گذاری در کشور بهبود نیابد و کسانی هم که با خوشبینی دست به سرمایه گذاری زده بودند در نهایت مجبور به خروج سرمایه خود از کشور شدند. سرمایه گذار نیز به حمایت جدی دولت دارد کاری که دولت ما تاکنون چنین قولی را به تاجران داده است اما در زمینه عملی ساخت آنها کاری صورت نداده است. دولت از کسانی که سرمایه خود را در کشور به کار انداخت نیز حمایت نکرد و آنها را با سبیلی از مشکلات گمرگی و ترانزیتی تنها گذاشت. شهرک های صنعتی موجود در کشور رشد نمود و شرایط برای جذب سرمایه در این شهرک ها نیز به سود سرمایه گذار نبود.

خارج شدن سرمایه ها و یا توقف سرمایه گذاری در افغانستان به عوامل گوناگونی از تباطی می گیرد، از یکطرف سرمایه گذاران و شرکت های تولیدی داخلی از طرف دولت مورد حمایت قرار نگرفته و بعضاً در اثر مواجه شدن باسیاست های دمینگ و رقابت با تولیدات خارجی نتوانسته اند فعالیت های خود را دوام دهد و ناچار فعالیت های خود را تعطیل و سرمایه های خود را از افغانستان خارج نموده است، از سوی دیگر بی امنیتی و بی ثباتی نه تنها جریان فعالیت های شرکت ها و یا سرمایه گذاران را با مشکل مواجه ساخته، که جان و سرمایه تجاران را نیز با خطر روبرو کرده است. امروزه افراد خانواده تاجران به شدت از سوی اختطاف گران و آدم ربایان تهدید می شود، به همین دلیل بیشتر تاجران خانواده های خود را از ترس اختطاف گران به خارج از کشور انتقال داده اند و تمایل به سرمایه گذاری و زندگی در افغانستان را از دست داده اند.

مسأله مهم دیگر این که در افغانستان نه تنها مدیریت صحیح سرمایه گذاری ها وجود ندارد بلکه فساد اداری، نبود سیستم منظم مالیاتی، نبود زیر ساخت ها و شرایط نا مساعد و... مشکلاتی اند که فرار سرمایه گذاری در افغانستان عرض وجود نموده و سبب توقف سرمایه گذاری و فرار سرمایه از کشور گردیده است. بنابراین چنانچه اقدامات جدی از سوی دولت در جهت جذب سرمایه و حمایت از سرمایه گذاری های داخلی صورت نگیرد، افغانستان با پیامدهای فقر، ناامنی، ضعف و وابستگی بیشتر مواجه خواهد شد.

گسترش جغرافیای جنگ از جنوب به شمال

رحیم حمیدی



ولایت شد نه توان جنگی گروه طالبان بر نیروهای امنیتی کشور. در دوره های حکومت افغانستان تاکتیک جدید در پیش گرفته بود و آن را عقب نشینی استراتژیک و یا تاکتیکی می خواند. این عقب نشینی تاکتیکی را اکنون گروه طالبان در پیش گرفته است. عقب نشینی تاکتیکی نیروهای امنیتی سودمند واقع نشد بلکه سبب شد بخش های از خاک کشور در اختیار گروه طالبان قرار گیرد و این گروه بتواند بهسر تبلیغاتی زیادی از تاکتیک جنگی نیروهای امنیتی کشور ببرد. اکنون این گروه دقیقا از تاکتیک نیروهای امنیتی کشور استفاده می کند. حمله می کند و فرار می کند. این تاکتیک خوبی برای گروه های چریکی است. طرف مقابل را از جنگ خسته می سازد. ابزار تبلیغاتی مهم می شود. جلوگیری از گسترش قلمرو جنگ تنها حملات هوایی بر مواضع گروه طالبان ممکن است. تا زمانی که نیروهای امنیتی قادر به حمایت نیروی هوایی نگردد اما قادر به جلوگیری از گسترش قلمروی جنگ نخواهیم بود. در کنار این مهم باید به محبوبیت حکومت در میان مردم نیز توجه کنیم. نگذاریم ناراضی مردم از حسد بگذرد و مردم به جای حکومت مرکزی گروه طالبان را ترجیح دهد و از این گروه در برابر نیروهای امنیتی کشور حمایت نماید. این دو سیاست می تواند ما را در پیروزی در برابر گروه طالبان کمک نماید. در غیر این احتمال می رود که نیروهای امنیتی از جنگ کنونی خسته شود و در نهایت، با بازگشت گروه طالبان به قدرت مواجه گردیم. این زنگ خطر جدی برای حکومت مرکزی است. برای کشورهای کمک کننده به افغانستان، دموکراسی و حقوق بشر و حیات حکومت مرکزی با گسترش قلمرو جنگ در تهدید جدی به سسر می برد. فسرورت جدی به تدوین استراتژی جامع با همکاری ناتو و نیروهای بیسن المللی در اجرای آن می باشیم تا بتوانیم گروه طالبان را با تمام توان سرکوب نمایم.

در در سراسر افغانستان پراکنده سازد و نگذارد که نیروهای امنیتی افغانستان در یک منطقه بر این گروه فشار وارد نماید. این مسئله تا حدی زیادی انرژی نیروهای امنیتی را از بین می برد و آن ها از جنگ خسته می سازد. مسئله مهم دیگر حضور این گروه در سراسر کشور است. این گروه با پراکنده نمودن نیروهایش به سراسر کشور این ایده را در اذهان مردم خلق می کند که این گروه توانایی رزمی خود را بالا برده است و قادر به جنگ با نیروهای امنیتی در سراسر کشور است. در واقع، گسترش قلمروی جنگ ابزار مهم تبلیغاتی گروه طالبان شده است. گسترش قلمرو جنگ، مسئله دیگری را نیز روشن می سازد. گسترش نفوذ گروه طالبان در میان مردم. گروه طالبان بدون همکاری مردم قادر نیست در هیچ یک از نقاط کشور حضور به هم رساند. حضور این گروه در شمال کشور بیانگر آن است که مردم محل نیز با این گروه هماهنگی دارد و با این گروه همکاری می کند. این به سادگی می رساند که

کنترل این شهر را برای مدتی در اختیار بگیرد. ولسوالی واخان را نیز سقوط داد. جنگ هلمند را تا چند کیلومتری مرکز این شهر به پیش برده است. این نشان یک تغییر بنیادی در استراتژی گروه طالبان را به نمایش می گذارد. گروه طالبان برای سال های متعددی بر مناطق جنوب و جنوب شرقی تمرکز نموده بود. این مناطق خاستگاه اصلی این گروه محسوب می شود. به همین خاطر، این گروه با آسانی می توانست با همکاری مردم فعالیت نماید. در مناطق دیگر از کشور اما، با مشکلات و سختی های مواجه بود. مهمترین مسئله مقاومت مردم در برابر این گروه بود. با این حال، اکنون به نظر می رسد که گروه طالبان با تمرکززدایی از منطقه جنوب به دنبال فشار بر نیروهای امنیتی در سراسر کشور است. این تمرکززدایی گروه طالبان از منطقه جنوب و گسترش قلمرو جنگ در سراسر افغانستان دو مزیت برای گروه طالبان داشته است. اول اینکه این گروه موفق شده است نیروهای امنیتی کشور

اهمیت و نقش فرهنگ در زندگی انسان و جامعه

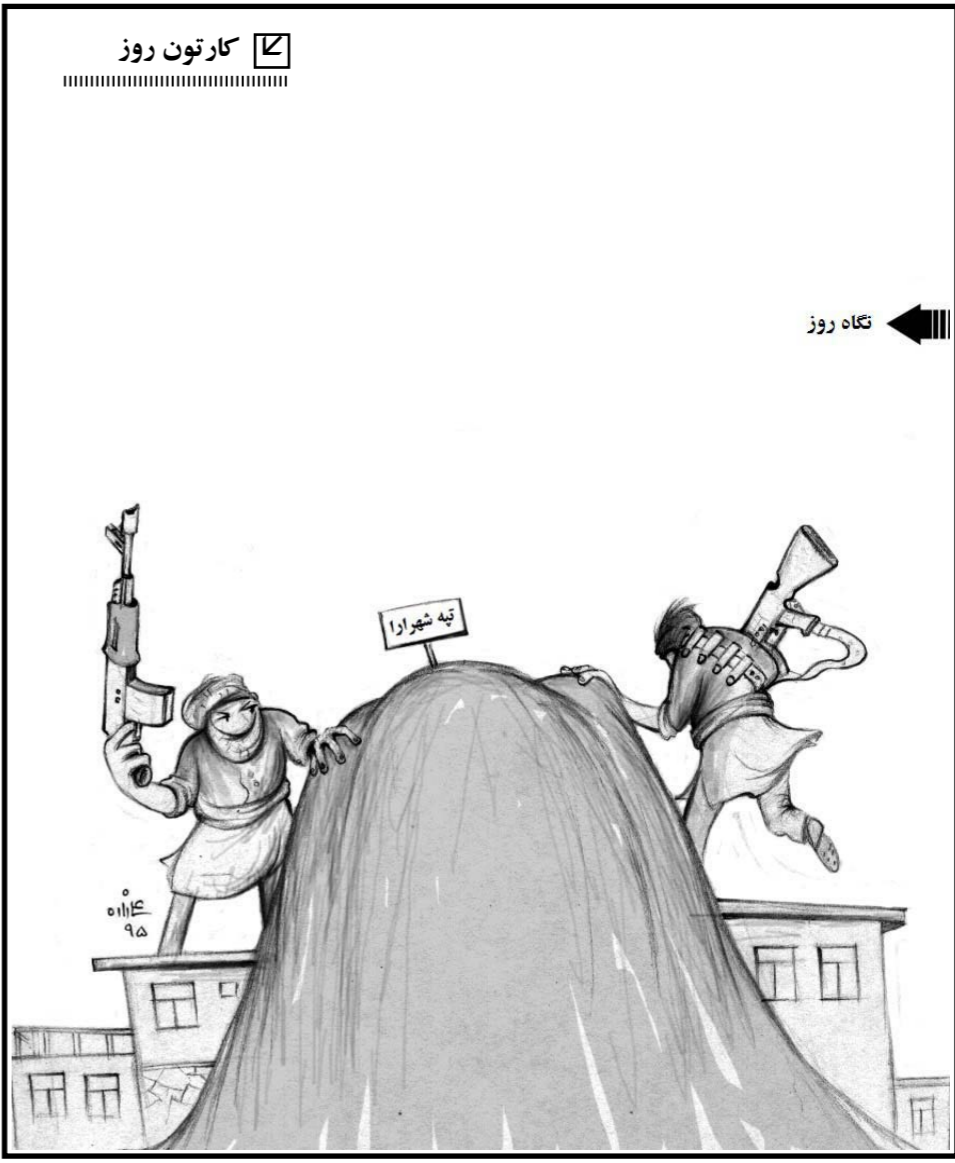
قسمت اول



دارد، به طوری که حتی ما با یاری فرهنگ می توانیم مسیر حرکت حیات آن جامعه را بر برسی و پیش بینی نمائیم. فرهنگ حاوی آفرینش ها، اندیشه ها و جهان بینی مردم یک سرزمین است. اجزائی که کنار هم محتوای درون و برون افراد را می سازد. شکل نهادها، سازمان ها و تشکیلات اجتماعی همه بازتاب فرهنگ ملی و سرزمینی هستند چرا که فرهنگ گذشته و افزایش استیلای او بر جامعه کنونی، وظایف دو گانه تاریخ است. (۱) امه سسز متفکر انقلابی الجزایری نیز می گوید: «نزدیکترین راه به جهان آینده تعمق در گذشته است. (۲) و احمد طالب ابراهیمی الجزایری نیز می گوید: «دانستن این که انسان به کدام سوی روان است همان قدر بر ارزش است که بدانیم از کدام سوسوی می آید و فرهنگ رابطه ای است که گذشته ها را به هم پیوند می دهد و چشم به سوی آینده را ممکن می سازد.» (۳) این سخنان به نقش و اهمیت فرهنگ در پیوند گذشته به حال. ارزش ها و مقاصد است که شیوه ی زندگی هر ملت را مشخص می کند. از طریق فرهنگ است که اعضای جامعه می آموزند که چگونه بیندیشند و چگونه عمل نمایند. پژوهشگران معتقدند که اعتلای هر جامعه به فرهنگ آن بستگی

این حالی بود که در فراگرد اولیه صنعتی شدن در غرب از نفوذ هنجارهای سنتی - مذهبی و قیود کاسته شد و عملا کارایی قیود فرهنگی ضعیف تر شده و کمتر از قبل قابل مشاهده بود. بنابراین جهان بینی متداول هر جامعه بازتاب تجربیات همان جامعه است. که ما آنها را در میان ارزش ها و نگرشها و عادات آن مردم می یابیم. بنابراین می توان گفت مشکلات جامعه ناشی از نقض الگوهای آنهاست که عوامل فرهنگی را یا نادیده گرفته اند یا کمتر دخیل کرده اند. مسائل روزمره ی مردم، انگیزه های که افراد را به کار و یاد، در برخورد های سیاسی درون اجتماع و اهمیت مسایل مذهبی و ... همه اولا قابل تغییر و ثانیاً برخاسته از نوع فرهنگ آن جامعه خواهد بود و در حقیقت بازتاب تجربه های سازنده ی نسلهای گذشته به نسلهای آینده است. بنابراین تصفیه ی فرهنگ با الفاء، فرهنگهای سالم که در واقع رهیافت مردم در تطابق با محیط را بیان می کند امروزه جز اولویتهای جامعه داری است. که می بایست گسترش یابد. زیرا فرهنگ شکل دهنده به محیط و زمینه ساز تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و حتی تکنولوژیکی است. به همان ترتیب که دگرگونیهای فرهنگی در اروپا انقلاب صنعتی را در غرب آسان نمود، و انقلاب صنعتی نیز تغییراتی با خود آورد. امروز این دگرگونیهای فرهنگی است که مسیر جوامع را هدایت می کنند. لذا انتقال فرهنگ گذشته به آیندگان و نیز نوآوری

است که مبین تمامی باورها، رفتارها، دانش ها، ارزش ها و مقاصد است که شیوه ی زندگی هر ملت را مشخص می کند. از طریق فرهنگ است که اعضای جامعه می آموزند که چگونه بیندیشند و چگونه عمل نمایند. پژوهشگران معتقدند که اعتلای هر جامعه به فرهنگ آن بستگی



روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

- مدیر مسول: محمد رضا هویدا
- سردبیر: حفیظ الله زکی
- کاریکاتورست: خالق علی زاده
- دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
- مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
- آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷

افغانستان ما
The Daily Afghanistan Ma

Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Magazine